

را سید المسلمین خوانده باشد، نیازمند تصریح یا قرآینی است که در دست نیست. کسی می تواند سرور مسلمانان باشد که پیامبر ﷺ او را امام مسلمانان و پیشوای آنان پس از خود معرفی کند.

منابع به تاریخ ولادت ابی اشاره نکرده اند. او در مدینه، در محل زندگی خزر جیان رشد یافت.^۸ این که وی پیش از اسلام، از جمله احبار و دانشمندان یهود بوده باشد، بر پایه منابع رجالی اثبات پذیر نیست. نیز احاطه او به تورات و عهد عتیق و کتاب های مذهبی یهودیان و آگاهی وی از بشارت های تورات درباره پیامبر گرامی ﷺ، در منبعی معتبر یافت نشده است.

«**ابی در عصر پیامبر ﷺ:** ابی در بیعت عقبه دوم^۹ به سال سیزدهم بعثت حضور داشت که در آن بیش از ۷۰ تن از مردم مدینه با پیامبر گرامی ﷺ بیعت کردند.^۹ نیز همه افراد قبیله او در استقبال از پیامبر هنگام ورود به مدینه همراه اوسیان شرکت داشتند.^{۱۰} منابع تاریخی، اسلام آوردن ابی را در عقبه دوم می دانند؛ اما ابن هشام نام او را در شمار افراد

أبی بن کعب: از صحابیان و کاتبان وحی و امامان قرائت، صاحب مصحف

نام کامل او أبی بن کعب بن قیس بن عبید بن زید بن معاویه است.^۱ نسب معاویه بن عمرو به نجار بازمی گردد. ابی از قبیله خزرج تیره بنی نجار است که به قبیله ثعلبه بن عمرو بن خزن انتها می یابد.^۲ مادرش صهیلة بنت اسود بن حرام از بنی نجار است.^۳ در منابع چند کتبه برای او ثبت شده است: یکی ابوالمنذر است که پیامبر گرامی ﷺ او را به این کتبه نامید.^۴ منابع به علت این کتبه گذاری اشاره نکرده اند. دیگری ابوالطفیل است که خلیفه دوم او را از آن جا که فرزندی به نام طفیل داشت، به این کتبه نامید.^۵ نیز روایت شده که پیامبر گرامی ﷺ او را سید الانصار لقب داده است.^۶ همچنین عمر او را سید المسلمین خطاب کرد.^۷ لقب سید المسلمین از سوی صحابه و نه پیامبر، به او داده شد و مورد توجه اصحاب، به ویژه انصار، قرار گرفت. این که پیامبر هم او

۱. الطبقات، ابن سعد، ج ۳، ص ۴۹۸؛ الطبقات، خلیفه، ص ۱۵۷؛ الاصابه، ج ۱، ص ۱۸۰.

۲. تهذیب الاسماء، ج ۱، ص ۱۰۸-۱۰۹؛ تهذیب الکمال، ج ۲، ص ۲۶۲.

۳. الاستیعاب، ج ۱، ص ۶۵.

۴. اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۱.

۵. اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۱.

۶. سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۳۹۶.

۷. اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۱؛ الاصابه، ج ۱، ص ۱۸۱.

۸. اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۱.

۹. اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۱؛ الطبقات، ابن سعد، ج ۳، ص ۴۹۸؛

الاستیعاب، ج ۱، ص ۶۶.

۱۰. تهذیب الاسماء، ج ۱، ص ۱۰۹؛ نک: تهذیب الکمال، ج ۲،

ص ۲۶۲.

عقبه اول و دوم نیاورده و این احتمال را به میان آورده که وی پس از عقبه اول و پیش از عقبه دوم به دست مصعب بن عمیر* اسلام آورده باشد.^۱

در رویداد پیمان برادری، پیامبر میان او و طلحه بن عبیدالله پیمان بست.^۲ برخی منابع، پیمان برادری او را با سعد بن زید بن عمرو بن نفیل دانسته‌اند.^۳ وی در بیشتر سریه‌ها و غزوه‌ها شرکت داشت و از نخستین مبارزان مسلمان به شمار می‌آید. در نخستین سریه‌ای که به فرماندهی حمزه عموی پیامبر همراه ۳۰ رزمنده صورت گرفت و سریه حمزه بن عبدالمطلب نامیده شد، او یکی از رزمندگان بود.^۴ در غزوه بدر^۵ و احد^۶ و نیز در غزوه بنی‌المصطلق (المُریسیع) در سال پنجم ق. حضور داشت.^۷ مورخان او را از صحابه‌ای می‌دانند که در بیشتر غزوه‌ها حضور داشته‌اند.^۸

◀ اُبی و مسئولیت‌های زمان پیامبر:

ابی یکی از اصحاب فتوا در میان اصحاب پیامبر ﷺ بود و گفته‌اند: یکی از شش نفری است که دانش پیامبر به آنان رسید.^۹ گاه مسؤول گردآوری صدقات از سوی پیامبر بود و در جمع‌آوری صدقات بسیار دقت داشت.^{۱۰} گاهی نیز از جانب پیامبر ﷺ مأمور آموزش احکام اسلام به نومسلمانان می‌شد؛ از جمله وفد بنی‌عامر و وفد بنی‌حنیفه که به مدینه آمدند.^{۱۱}

ابی افزون بر همراهی پیامبر در نبردها، کاتب وحی و قاری قرآن بود. اگر چه در روزگار جاهلیت، کتابت در میان عرب رواج نداشت، ابی بن کعب از کسانی بود که در آن دوره کتابت را فرا گرفته بودند.^{۱۲} برخی مورخان او را نخستین کاتب وحی در مدینه می‌دانند^{۱۳} و گویند: پیامبر ﷺ در صورت حضور نداشتن ابی، در پی سایر کاتبان وحی مانند زید بن ثابت می‌فرستاد.^{۱۴} اما از منابع برمی‌آید که کتابت وحی به دست حضرت علی (ع) و زید بن ثابت بسیار بیشتر از ابی بن

۱. تفسیر الصحابی، ص ۱۳.

۲. الطبقات، ابن سعد، ج ۳، ص ۲۱۶؛ المجتبر، ص ۷۳؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۷۱.

۳. السیره النبویه، ج ۱، ص ۵۰۵-۵۰۶؛ المستدرک، ج ۳، ص ۳۰۳؛ رجال الطوسی، ص ۲۲.

۴. المغازی، ج ۱، ص ۹.

۵. المغازی، ج ۱، ص ۱۶۳؛ الطبقات، ابن سعد، ج ۳، ص ۸۸؛ رجال الطوسی، ص ۲۲.

۶. المغازی، ج ۱، ص ۲۰۴؛ الطبقات، ابن سعد، ج ۳، ص ۴۹۸.

۷. المغازی، ج ۱، ص ۴۰۵.

۸. الطبقات، ابن سعد، ج ۳، ص ۴۹۸؛ تهذیب الکمال، ج ۲، ص ۲۶۴.

۹. المعرفة و التاريخ، ج ۱، ص ۴۴۵.

۱۰. مسند احمد، ج ۵، ص ۱۴۲؛ المستدرک، ج ۱، ص ۳۹۹؛ السنن

الکبری، ج ۴، ص ۹۶.

۱۱. تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۴۷۵-۴۷۶.

۱۲. الطبقات، ابن سعد، ج ۳، ص ۴۹۸.

۱۳. الاستیعاب، ج ۱، ص ۶۸؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۲؛ الاصابه، ج ۱، ص ۱۸۱.

۱۴. الاستیعاب، ج ۱، ص ۶۸؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۲.

کعب بوده است. از این رو، بهتر است گفته شود ابی از نخستین کاتبان وحی بود، نه نخستین آنان. طبری کتابت او را در غیاب علی (ع) و عثمان می‌داند.^۱ وی افزون بر کتابت وحی، کاتب نامه‌های پیامبر بود و نیز نامه‌های رسیده برای ایشان را می‌خواند و نامه‌هایی را که به درخواست پیامبر باید مخفی می‌ماند، مانند نامه عباس عموی پیامبر به او پیش از نبرد احد، پنهان می‌کرد.^۲ او نخستین کسی بود که در پایان نامه‌ها، اسم خود را به عنوان کاتب می‌نگاشت.^۳ بر پایه شمارش نووی، حدیث‌های ابی در کتب معتبر به ۱۶۴ حدیث می‌رسد^۴ که از آن میان، بیش از ۶۰ حدیث در صحاح سته و سه حدیث مشترکاً در صحیحین آمده است.^۵

◀ **قرائت ابی:** بر پایه روایت‌هایی، پیامبر (ص) ابی را بهتر از سایر اصحاب یا سایر امت در قرائت دانست.^۶ بر پایه عقاید شیعی، امام علی (ع) از آن رو که امام و خلیفه برحق پیامبر در همه شئون، از جمله آگاهی به قرآن و تفسیر و قرائت آن بود، در این زمینه نیز

سرآمد بوده است. برخی از پژوهشگران معاصر معتقدند که منظور این حدیث شأیت ابی برای تعلیم قرآن است؛ یعنی سزاست مسلمانان قرائت قرآن را از او فراگیرند، نه این که در قرائت از همه صحابه برتر باشد.^۷ از این رو، در روایتی از پیامبر (ص) سفارش شده است که مسلمانان قرائت قرآن را از چهار تن فراگیرند که یکی از آن‌ها ابی بن کعب است.^۸ بر پایه روایتی، او قرآن را در هر هشت شب ختم می‌کرد.^۹ برخی از قرآن‌پژوهان خاورشناس معتقدند او نقل به معنا را جایز می‌دانست و در مقایسه با ابن مسعود، در این زمینه اختلاف‌هایی داشت.^{۱۰} نقل به معنا اگر برای توضیح بیشتر باشد، تا حدی پذیرفتنی است؛ اما اگر به معنای انتساب سخن خود به قرآن یا معصومان (ع) باشد، پذیرفتنی نیست. سابقه رواج قرائت ابی به دوره پیش از تدوین مصحف عثمان بازمی‌گردد و قرائت او یکی از چند قرائت متداول در آن دوره بوده است.^{۱۱} در روایتی از امام صادق (ع) قرائت ابی به تأیید اهل بیت (ع) رسیده است.^{۱۲} قرائت ابی و سپس زید بن ثابت، بنیان قرائت حجاز تلقی

۱. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۱۷۹.

۲. المغازی، ج ۱، ص ۳۰۴؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۸۳.

۳. اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۲.

۴. تهذیب الاسماء، ص ۱۰۹.

۵. سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۴۰۱.

۶. الطبقات، ابن سعد، ج ۲، ص ۳۴۱؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۳۹۲.

۷. ابی بن کعب، زغلول، ص ۱۶-۱۷.

۸. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۲۲۸؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴۹.

۹. الطبقات، ابن سعد، ج ۳، ص ۵۰۰.

۱۰. تاریخ القرآن، ص ۵۳۴.

۱۱. المصاحف، ص ۳۱-۳۳.

۱۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۳۴.

می‌گردد و بر قرائت عاصم از قرائات کوفی تأثیر فراوان داشته است.^۱ نسخه‌ای در تفسیر قرآن به روایت ابوجعفر رازی از ربیع بن انس از ابوالعالیه از ابی بن کعب در سده‌های نخستین متداول بوده و مورد استفاده طبری و ابی حاتم در تفسیر، احمد بن حنبل در مسند و حاکم نیشابوری در مستدرک قرار گرفته است.^۲ ابن عباس، ابوهریره، عبدالله بن سائب، عبدالله بن عیاش بن ابی ربیع و ابوعبدالرحمن سلمی قرائت قرآن را از ابی فراگرفتند و سدید بن غفله، عبدالرحمن بن أبزی و ابو مہلب از او حدیث گزارش کرده‌اند.^۳ اُبی علم به قرآن و قرائت صحیح آن را از پیامبر آموخته بود و بسیار می‌کوشید تا پس از ایشان تغییری در قرائت آن روی ندهد. زمانی که خلیفه سوم برای در امان ماندن از پیامدهای تفسیر آیه ۳۴ توبه/۹ که در نکوهش ثروت‌اندوزی است، قصد تغییری جزئی و برداشتن «واو» از متن قرآن را داشت، ابی به او هشدار داد و گفت: «واو» را در آیه سر جای خود بگذار و گر نه شمشیر خود را بر دوش می‌نهم!^۴

◀ اُبی و رویداد سقیفه: پس از رحلت

پیامبر گرامی ﷺ و رویداد سقیفه، ابی بن کعب از معدود کسانی بود که با ابوبکر به مخالفت برخاست و خلافت را حق علی علیه السلام دانست. او از جمله ۱۲ نفری بود که مخالف خلافت ابوبکر بودند و جانشینی وی را انکار کردند.^۵ او گواهی داد که پیامبر ﷺ حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین و امام پس از خود و ناصح امت معرفی کرده است.^۶ وی از علاقه‌مندان صمیمی خاندان پیامبر ﷺ بود و می‌گفت: روزی که پیامبر ﷺ زنده بود، همه به یک نقطه نظر داشتند؛ ولی پس از وفات ایشان، صورت‌ها به چپ و راست منحرف شد.^۷ او با ابوبکر بیعت نکرد و شورای سقیفه را بی‌ارزش خواند.^۸ برخی از محققان، تعصب قبیله‌ای، خزرچی بودن و ارتباطش با سعد بن عبادہ را در این میان مؤثر می‌دانند. عصر روزی که حادثه سقیفه به سود ابوبکر خاتمه یافت و او از منزل پیامبر ﷺ بازمی‌گشت، در پاسخ یکی از انصار که از وضع خاندان پیامبر پرسید، با نگرانی از حال آنان یاد کرد و گفت: چگونه می‌شود حال کسانی که خانه آن‌ها تا دیروز محل رفت و آمد فرشته وحی و کاشانه پیامبر

۵. کتاب سلیم بن قیس، ص ۱۳۸-۱۴۰؛ بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۱۹۹-۲۰۰.

۶. نک: تحف العقول، ص ۴۲۸؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۲.

۷. حلیۃ الاولیاء، ج ۱، ص ۲۵۴.

۸. نک: کتاب سلیم بن قیس، ص ۱۳۸-۱۴۰؛ شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۵۱-۵۲.

۱. نک: السبعة فی القرائات، ص ۵۵، ۶۹-۷۱؛ نک: المبسوط، ج ۲۹،

ص ۱۳۶؛ ج ۱۶، ص ۳۷.

۲. الاتقان، ج ۲، ص ۲۴۰.

۳. تہذیب الکمال، ج ۲، ص ۲۶۳.

۴. الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۳۲.

خدا بود و امروز جنب و جوشی در آن به چشم نمی‌خورد و از وجود پیامبر ﷺ خالی است؟^۱ از او این روایت از پیامبر ﷺ گزارش شده است: «یا اُبی! علیک بعلی فإنه الهادی المهدی الناصح لأمتی».^۲ منابع تاریخی او را از فقیهان دوران خلفا، به ویژه عمر و عثمان، می‌دانند.^۳ آن‌گاه که نماز تراویح به پیشنهاد خلیفه دوم به جماعت برگزار می‌شد، ابی در سال ۱۴ق. امامت جماعت آن را بر عهده داشت؛ اما پس از چندی، گویا به علت مخالفت با این بدعت، آن را رها کرد و مردم پیوسته می‌گفتند: «این اُبی» یا «ابق اُبی».^۴

◀ **مصحف اُبی:** ابی دارای مصحفی بود که با قرآن رایج میان مسلمانان تفاوت‌هایی داشت. مصحف وی دارای ۱۱۵ سوره بود و ترتیب سوره‌های آن با مصحف ابن مسعود هماهنگ بود، جز این که سوره انفال را پیش از سوره توبه نوشته بود.^۵ در مصحف او، دو سوره به نام‌های حُفَد و خُلَع بود که دعای قنوت‌اند و ظاهراً به اشتباه در میان سوره‌های قرآنی ثبت شده بودند. نیز میان سوره‌های فیل و قریش، «بسم الله الرحمن الرحيم» نیامده بود و

گویا این دو یک سوره فرض شده بودند.^۶ البته روایت‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز به این حقیقت اشاره دارد،^۷ اگر چه در مصحف باید با بسم الله بیاید. ابتدای سوره زمر در این مصحف با «حم» شروع می‌شد؛ یعنی حوامیم هشت سوره بود.^۸ همچنین برخی کلمات به مترادف‌های آن‌ها تبدیل شده بودند؛ مثلاً آیه «قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدًا» (یس/۳۶، ۵۲) به صورت «من هبنا من مرقدنا» یا آیه «كُلَّمَا أَصَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ» (بقره/۲، ۲۰) به صورت «مروا فيه» یا «سعوا فيه» آمده بود.^۹ ابن ندیم به گزارش از فضل بن شاذان، سابقه رواج مصحف ابی را در روستایی در بصره به نام قریة الانصار می‌داند که محمد بن عبدالملک انصاری آن را که از پدران‌شان روایت می‌کردند، ارائه نمود.^{۱۰} بر پایه برخی گزارش‌ها، در رویداد همسان‌سازی مصحف‌ها در زمان عثمان، مصحف ابی بن کعب منبع اصلی کار زید بن ثابت بود.^{۱۱} سپس سپس این مصحف مانند سایر مصحف‌ها به استثنای مصحف ابن مسعود، پس از همسان‌سازی مصحف‌ها، سوزانده شد یا نوشته‌هایش با آب و سرکه جوشانده و

۱. الدرجات الرفیعه، ص ۳۲۴-۳۲۵.
۲. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۵۷؛ بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۸۷-۸۸.
۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۱، ۱۷۳.
۴. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۲۲؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۴۰۰.
۵. الاتقان، ج ۱، ص ۱۷۵.
۶. الاتقان، ج ۱، ص ۱۷۸.

۷. الاتقان، ج ۱، ص ۱۷۹.

۸. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۵۶.

۹. الاتقان، ج ۱، ص ۱۷۵.

۱۰. مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۸۰؛ المحرر الوجیز، ج ۴، ص ۴۵۸.

۱۱. الفهرست، ص ۳۹.

۱۲. المصاحف، ص ۳۰-۳۱، ۶۳-۶۴.

محو گشت.^۱

◀ مسجد ابی در مدینه: مسجد ابی در

مدینه که به مسجد بنی جدیله معروف است، مورد توجه پیامبر بوده و ایشان در آن نماز گزارده است.^۲ ساختمان این مسجد که ویران شده بود، به دست دولت عثمانی تجدید بنا شد و برایش محرابی قرار دادند.^۳

◀ ویژگی‌های اخلاقی ابی: از

ویژگی‌های اخلاقی ابی، زهد و ورع اوست. جابر گزارش می‌کند: درباره حقیقت زهد و اعراض از دنیا سخن رفت. به سراغ خلیفه دوم رفتیم تا از او پرسیم. او ما را به سیدالمسلمین ابی بن کعب ارجاع داد.^۴

از دیگر ویژگی‌های اخلاقی وی، سختگیری او در معاملات و رفتارهاست. زر بن حبیش گزارش می‌کند: به مدینه آمدم و سراغ ابی رفتم و از او به سبب کم لطفی‌اش به ما گله کردم.^۵ نیز می‌توان به همراهی پیوسته‌اش با پیامبر ﷺ و بسیار سوال کردنش از ایشان اشاره داشت. بر پایه گزارش اصحاب، وی پیوسته درباره موضوعات گوناگون از

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۰.

۲. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۶۴؛ مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۴۲۰؛ معالم مکه و المدینه، ص ۳۹۲.

۳. مرآة الحرمین، ص ۴۲۰.

۴. الطبقات، ابن سعد، ج ۳، ص ۴۹۹؛ تاریخ دمشق، ج ۷، ص ۳۳۹؛ تهذیب الکمال، ج ۲، ص ۲۶۹.

۵. ابی بن کعب، عیساوی، ص ۴۷.

پیامبر می‌پرسید.^۶

◀ مجلس درس ابی و مدرسه تفسیر

مدینه: ابی در مسجد پیامبر ﷺ مجلسی بر پا می‌کرد و حدیث‌های ایشان را برای مردم بازگو می‌نمود. نیز برای جمعیت بسیاری که در خانه او گرد می‌آمدند، حدیث گزارش می‌کرد.^۷ او مؤسس مدرسه تفسیر مدینه به شمار می‌آید و تفسیر او از طریق نوشته‌هایش در حواشی مصحفش یا شاگردان و روایانش منتقل شده است.^۸ یکی از راه‌های شناسایی سوره‌های مدنی و مکی در قرآن، معرفی سوره‌های مدنی از سوی ابی دانسته شده است؛ زیرا او همواره در مدینه کنار پیامبر ﷺ حضور داشت و سوره‌های مدنی را کاملاً می‌شناخت.^۹

◀ ارتباط ابی با برخی آیات مدنی:

شأن نزول چند آیه قرآن با ابی پیوند دارد. به گزارش عکرمه و مقاتل، دو تن یهودی خطاب به ابی و جمعی از مسلمانان، دین خود را بهتر از اسلام دانستند. در پی آن، آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ»

۶. جامع البیان، ج ۲، ص ۸؛ تفسیر ثعلبی، ج ۴، ص ۲۰۹؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۴۵.

۷. ابی بن کعب، عیساوی، ص ۷۱.

۸. ابی بن کعب، زغلول، ص ۸۶-۸۸.

۹. ابی بن کعب، عیساوی، ص ۷۶.

برتری اَبی در قرائت، باور حقیقی نداشت و یا قرائت وی گاه با اعتقادات و عملکرد خلیفه سازگار نبود و از این روی، به آن عمل نمی کرد.

◀ **درگذشت اَبی:** تاریخ رحلت اَبی به درستی معلوم نیست. سال وفاتش را ۱۹۹ ق.^۴، ۲۰ ق.^۵ و ۲۲ ق.^۶ در زمان خلافت عمر می دانند.^۶ برخی دیگر آن را در سال ۳۰ ق. در روزگار خلافت عثمان دانسته اند؛ اما بیشتر مورخان رحلت وی را در زمان خلافت عمر ثبت کرده اند.^۷ مدائنی زمان مرگ اَبی، عباس و ابوسفیان بن حرب را نزدیک به هم در اوایل خلافت عثمان می دانند. او می نویسد: بیشتر معتقدند اَبی در زمان خلافت عمر وفات یافته است.^۸ با توجه به حضور اَبی در جمع آوری و یکسان سازی قرآن و نیز دیدار زر بن حبیش با او در دوره خلافت عثمان و پرسش مردم از وی درباره فتنه روزگار عثمان، به نظر می رسد رحلت وی در اواخر خلافت عثمان بوده است.^۹ او در مدینه منوره درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد. اشاره برخی منابع به این

(آل عمران/۳، ۱۱۰) نازل شد و دین اسلام را برتر دانست. در گزارشی تاریخی درباره رویداد افک* (تهمت به عایشه) آمده است که ام طفیل آن گاه که این شایعه را برای همسرش اَبی گزارش کرد، وی سخت آن را انکار نمود و دروغ خواند و گفت: همسران پیامبر از همسران ما بسیار بهترند و آن گاه که اینان سراغ آن کار نمی روند، سزاوارتر است که همسران پیامبر نیز چنین نکنند. سپس آیه ۱۲ نور/۲۴ نازل شد: ﴿لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ﴾؛ نیز پیامبر گرامی ﷺ به او فرمود: خداوند امر کرده است که بر تو قرآن بخوانم. او از این که خود را مورد عنایت پروردگار دید، متأثر شد و پیامبر این آیه را تلاوت فرمود: ﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلِيفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾. (یونس/۱۰، ۵۸)^۱ در روزگار عثمان، برای یکسان کردن مصحف ها، پس از ناتوانی گروه نخست، اَبی ریاست گروه دوم را بر عهده داشت و او املا می کرد و دیگران می نوشتند.^۲ خلیفه دوم علی (ع) را در داوری و اَبی را در قرائت قرآن از همه برتر می دانست؛ اگر چه خود می گفت: گاه بر پایه قرائت اَبی عمل نمی کنم.^۳ گویا او به

۴. تهذیب الکمال، ج ۲، ص ۲۷۱؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۷۱.

۵. تهذیب الکمال، ج ۲، ص ۲۷۱.

۶. الاستیعاب، ج ۱، ص ۶۹؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۳؛ الاصابه، ج ۱، ص ۱۸۱.

۷. اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۳؛ الاصابه، ج ۱، ص ۱۸۱.

۸. الاستیعاب، ج ۱، ص ۶۹.

۹. اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۳؛ تهذیب الکمال، ج ۲، ص ۲۷۱-۲۷۲.

۱. الطبقات، ابن سعد، ج ۲، ص ۳۴۱؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۶۷؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۲.

۲. الطبقات، ابن سعد، ج ۳، ص ۵۰۲.

۳. الاستیعاب، ج ۱، ص ۶۸.

که قبری منسوب به ابی در مقابر دمشق وجود دارد، صحیح نیست.^۱

◀ منابع

ابی بن کعب الرجل المصحف: الشحات سید زغلول، اسکندریه، هیئة المصرية العامة، ۱۳۹۸ق؛ ابی بن کعب و مکانته بین مفسری الصحابه: مشعات سعود عبدالعیسوی، بیروت، الرساله، ۱۴۲۷ق؛ الاتقان: السیوطی (م. ۹۱۱ق)، به کوشش سعید، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۶ق؛ الاحتجاج: ابومنصور الطبرسی (م. ۵۲۰ق)، به کوشش سید محمد باقر، دار النعمان، ۱۳۸۶ق؛ الاستیعاب: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ اسد الغابه: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق)، بیروت، دار الفكر، ۱۴۰۹ق؛ الاصابه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق)، به کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق)، به کوشش زکار، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۷ق؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۱۰ق)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ تاریخ ابن خلدون: ابن خلدون (م. ۸۰۸ق)، به کوشش خلیل شحاده، بیروت، دار الفكر، ۱۴۰۸ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوك): الطبری (م. ۳۱۰ق)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تاریخ القرآن: تیودور نولدکه، ترجمه و کوشش: جورج تامر، دار النشر جورج المزم، ۲۰۰۰م؛ تاریخ مدینه دمشق: ابن عساکر (م. ۵۷۱ق)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفكر،

۱۴۱۵ق؛ تاریخ المدینه المنوره: ابن شبّه النمیری (م. ۲۶۲ق)، به کوشش شلتوت، قم، دار الفكر، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ یعقوبی: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ تحف العقول: حسن بن شعبة الحرانی (م. ۴۰۴ق)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان): الثعلبی (م. ۴۲۷ق)، به کوشش ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق؛ تفسیر الصحابی الجلیل ابی بن کعب: عبدالجواد خلف، قاهره، دار البیان، ۲۰۰۱م؛ تقریب التهذیب: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق)، به کوشش مصطفی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ تهذیب الاسماء و اللغات: النووی (م. ۶۷۶ق)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ تهذیب الکمال: المزی (م. ۷۴۲ق)، به کوشش بشار عواد، بیروت، الرساله، ۱۴۱۵ق؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰ق)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق؛ حلیۃ الاولیاء: ابونعیم الاصفهانی (م. ۴۳۰ق)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۵ق؛ الدر المنثور: السیوطی (م. ۹۱۱ق)، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۶۵ق؛ الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعه: سید علی خان (م. ۱۱۲۰ق)، به کوشش بحر العلوم، قم، بصیرتی، ۱۳۹۷ق؛ رجال الطوسی: الطوسی (م. ۴۶۰ق)، به کوشش قیومی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق؛ السبعة فی القرائات: ابن مجاهد (م. ۳۲۴ق)، به کوشش شوقی ضیف، قاهره، دار المعارف؛ سنن ابی داود: السجستانی (م. ۲۷۵ق)، به کوشش سعید محمد اللحام، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۰ق؛ السنن الکبری: البیهقی (م. ۴۵۸ق)، بیروت، دار الفكر؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبی (م. ۷۴۸ق)، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ السیره النبویه: ابن هشام (م. ۲۱۳-۸ق)، به

۱. تاریخ دمشق، ج ۷، ص ۳۴۷؛ منهاج السنه، ج ۷، ص ۴۳؛ مجموع فتاوی ابن تیمیه، ج ۲۷، ص ۴۸۴.

العاملی، بیروت، دار المرتضی، ۱۴۱۸ق؛ المعرفة و التاريخ: الفسوی (م. ۲۷۷ق.)، به کوشش اکرم الامرئ، بیروت، الرساله، ۱۴۰۱ق؛ المغازی: الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونز، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق؛ منهاج السنة النبویه: ابن تیمیه (م. ۷۲۸ق.)، به کوشش محمد رشاد، مؤسسة قرطبه، ۱۴۰۶ق؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۲ق.

سید قاسم رزاقی موسوی



اییدوس ← ازیریس

اتحاف فضلاء الزمن ← تاریخ مکه المکرمه

اتحاف الزائر و اطراف المقيم
للسائر: کتابی در آداب و احکام زیارت مرقد نبوی ﷺ نوشته ابوالیمن عبدالصمد بن عبدالوهاب بن عساكر دمشقى شافعى (۶۱۴-۸۶ق.)^۱

این کتاب که نامش به معنای «ارمغانی برای زائر و هدیه‌ای از مقيم مدینه به مسافر آن» است، درباره آداب و احکام زیارت مرقد نبوی ﷺ نگاشته شده و راهنمای سفرهای

کوشش السقاء و دیگران، بیروت، المكتبة العلمیه؛ شرح نهج البلاغه: ابن ابی‌الحديد (م. ۶۵۶ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق؛ صحیح البخاری: البخاری (م. ۲۵۶ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ق؛ صحیح مسلم بشرح النووي: النووي (م. ۶۷۶ق.)، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ق؛ الطبقات الکبری: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، بیروت، دار صادر؛ الطبقات: خلیفه بن خیاط (م. ۲۴۰ق.)، به کوشش سهیل زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ الفهرست: ابن الندیم (م. ۴۳۸ق.)، به کوشش تجدد؛ الکافی: الکلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ کتاب سلیم بن قیس: الہلالی (م. ۷۶ق.)، به کوشش انصاری، قم، الهادی، ۱۴۲۰ق؛ المبسوط: السرخسی (م. ۴۸۳ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۵ق؛ مجمع الرجال: علی القهپانی، قم، اسماعیلیان؛ مجموع الفتاوی: ابن تیمیه (م. ۷۲۸ق.)، به کوشش عبدالرحمن، مکتبه ابن تیمیه؛ المحبّر: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش ایلزه لیختن شتیتز، بیروت، دار الأفاق الجدیده؛ المحرر الوجیز: ابن عطیة الاندلسی (م. ۵۴۶ق.)، به کوشش عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق؛ مرآة الحرمین: ابراهیم رفعت پاشا (م. ۱۳۵۳ق.)، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۴۴ق؛ المستدرک علی الصحیحین: الحاکم النیشابوری (م. ۴۰۵ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ المصاحف: ابن ابی‌داود السجستانی (م. ۲۷۵ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق؛ معالم مکه و المدینة من الماضي و الحاضر: یوسف رغدا

۱. ملء العیبه، ص ۱۴۵؛ العقد الثمین، ج ۵، ص ۴۳۲.